

ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS Part IA

Middle Eastern Studies

Wednesday 3 June 2009 09.00 – 12.00

MES.3 PERSIAN LANGUAGE

Candidates should answer ALL questions.

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** Answer Book.*

STATIONERY REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

Rough Work Pad

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you may
do so by the Invigilator.**

SECTION A

Translate the following two passages into English (15 marks)

1. Unseen passage:

روزها گذشت، رستم بزرگ تر و قوی تر شد و به همین خاطر او را تهمتن نامیدند. او تمام دانش های زمان خودش را یاد گرفته بود. همه ی مردم به او احترام می گذاشتند و او را خیلی دوست داشتند.

همه چیز به خوبی می گذشت تا این که در نیمه شبی تاریک وقتی همه در خواب بودند، ناگهان کسی فریاد کشید: کمک کنید فیل سفید زال فرار کرده. رستم از خواب پرید، مشعلی برداشت و با عجله از خوابگاهش بیرون دوید. مرد گفت: فیل سفید به مردم حمله کرده و عده ای را زخمی کرده است. رستم بی درنگ گرز سام را برداشت، خدمتکاران جلوی او را گرفتند و گفتند این کار خطرناکی است، اگر به شما آسیبی برسد ما چه جوابی به زال بدهیم؟

ولی رستم با یک دست همه را کنار زد و از کاخ بیرون رفت. صدای نعره های فیل و فریاد مردم از میدان شهر به گوش می رسید. رستم به سرعت به طرف میدان شهر دوید. فیل سفید را دید که دیوانه وار پاهایش را به زمین می کوبید و خرطومش را در هوا می چرخاند. هر پهلوانی جلو می رفت او را با یک ضربه به طرفی پرت می کرد. رستم گرز سام را در دستهایش فشرد، همه ی نیرویش را جمع کرد و مانند شیری نعره کشید و به فیل حمله کرد. فیل خرطومش را بالا برد تا رستم را بلند کند و به زمین بکوبد، ولی رستم امانش نداد و با یک ضربه ی گرز بر سر فیل کوبید و او را نقش زمین کرد.

S. Musavizada, *Kudaki-e Rostam, Qessa-ha-ye Shahnama baroye Kudakan* nr 3, 2nd ed. (s.l., 1385), p. 10.

2. Seen passage:

پدر و مادر و بستگان مخصوصاً دانی‌جان که سایهٔ وجودش و افکار و عقایدش روی سر همهٔ افراد خانواده بود هر نوع خروج بدون محافظ از خانه را برای ما بچه‌ها منع میکردند و جرئت نزدیک شدن به بچه‌های کوچک را نداشتیم. رادیو هم که خیلی وقت نبود افتتاح شده بود در دو سه ساعت برنامهٔ روزانهٔ خود مطلب مهمی نداشت که به روشن شدن ذهن کمک کند.

در مرور اطلاعاتم راجع به عشق، در وهلهٔ اول به لیلی و مجنون برخوردم که قصه‌اش را بارها شنیده بودم. ولی هرچه زوایای مغز را کاوش کردم، دیدم چیزی راجع به طرز عاشق شدن مجنون به لیلی نشنیده‌ام. فقط میگفتند مجنون عاشق لیلی شد.

اصلاً شاید بهتر بود در این بررسی پای لیلی و مجنون را به میان نمی کشیدم زیرا هم اسم بودن لیلی و دختر دانی‌جان احتمالاً بدون اینکه خودم بدانم در استنتاجهای بعدیم مؤثر بود. اما چاره ای نداشتیم. مهمترین عشاق آشنایم همین لیلی و مجنون بودند. غیر از آنها از شیرین و فرهاد هم، مخصوصاً از طرز عاشق شدن آنها، چیزی زیادی نمی دانستم.

W.M. Thackston, *An Introduction to Persian*, revised 3rd edition (Bethesda, Maryland, 1993), p. 231.

(TURN OVER)

SECTION B

Choose one of the following topics for a composition in Persian of about 100 words [20 marks].

- a) Describe your birthday party.
- b) Write a letter requesting permission to miss three days of classes.
- c) Explain why you are studying Persian.
- d) Criticize a film you have seen.

SECTION C

Answer all the following questions [each question 15 marks].

1. Give the infinitive form of each of these verbs in Persian and the 3rd person singular of the Present subjunctive of each of these verbs:

- a) to have
- b) to doubt
- c) to know
- d) to wash
- e) to sit

2. Translate into Persian:

- a) I said that I usually read my book in the evenings.
- b) He will certainly come on the twenty-first of March (convert into the Iranian calendar date)!
- c) Keep this point in mind!
- d) They will like such a big blue and white car.
- e) Because I like them I was hoping to see my fifty-four friends tonight!

3. Translate and analyse the following forms:

- a) میبینمتان
- b) گوینده
- c) رسانیدن
- d) مؤدیانه
- e) میوجات

4. Complete the sentences with the correct form of the terms given between brackets and translate the complete sentences.

- a) اسم فیلمی که فردا خواهیم (دیدن) «باشو» است
- b) بهش گفت: همیشه آنجا (ماندن)
- c) من هفته گذشته دوستم را بمهمانی (دعوت کردن)
- d) اما او نتوانست (آمدن)
- e) (افتادن) از شرابخانه آمدند

END OF PAPER